



وحدت

انوست

# اسلام برائتی ها

محسن طباطبایی فر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست

- مقدمه ..... ۷
- پی نوشت ..... ۱۱
- چهارچوب ها ..... ۱۴
- برائت بر ولایت مقدم است ..... ۲۱
- سلسله آیین ها در ترویج و تبلیغ اعمال برائتی ..... ۲۳
- استدلال جریان برائتی برای نفی وحدت ..... ۲۵
- بزرگ نمایی نمادهای شیعه ..... ۲۷
- جایگاه ویژه ی عزاداری برای امام حسین(ع) ..... ۹۲
- گره خوردن بقای قرآن به عاشورا و بقای عاشورا به قمه زنی ..... ۳۱
- پی نوشت ..... ۳۳
- مخالفت با عمل و اندیشه انقلاب اسلامی ..... ۴۰
- مخالفت با نظام و اندیشه های امام خمینی(ره) ..... ۲۴
- پی نوشت ..... ۴۷
- آیت الله سیدصادق شیرازی ..... ۴۹
- پی نوشت ..... ۵۵



## مقدمه

بحث تقریب یا تعمیق گسل های موجود میان تشیع و اهل سنت از جمله دغدغه های گروهی از مراجع و علما در حوزه معاصر قم است. سابقه این دوگانگی را باید در دوره صفویه و اشتهار ایشان در ترویج شیعه تیرایی جستجو کرد. از آن پس روحانیت بر اساس اقبال یا ادبار به وحدت میان مسلمانان، به دو گروه تقریبی و ولایتی تقسیم شدند. شاید بتوان گفت کمتر کسی از علما مخالف تقریب ادیان و مذاهب است؛ زیرا آنها به لوازم مخالفت یا معاندت فرقه ها و مذاهب یا ادیان واقف اند، اما برخی ثمره ی عملی بر این گونه تقریب ها مترتب نمی بینند و آن را سبب عقب نشینی از خواسته های شیعی می دانند. انقلاب اسلامی ایران که با هویت شیعی به پیروزی رسید، رویکردی وحدت گرایانه را سرلوحه ی کار قرار داد. موضع روحانیان و علما در برابر

این رویکرد یکسان نبود. دسته ای با پذیرش رویکرد تقریب به صورت حداکثری تلاش کردند راهکارهایی برای تثبیت و نهادینه سازی تقریب طراحی کنند. دخالت و تمرکز رهبری و حاکمیت در مسئله ی تقریب و تربیت طلاب قوی و توانا در عقاید و کلام شیعی، از جمله این کارها است. امام خمینی رحمه الله علیه و شاگردان ایشان و مقام معظم رهبری را از نمایندگان این رویکرد می توان برشمرد. (۱)

در مقابل، دسته ای رویکردی حداقلی به تقریب دارند و صیانت از مرزهای اعتقادی شیعه را وظیفه ی خود می دانند. از این جریان تحت عنوان «ولایتی» یاد می شود. آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم آشیخ جواد تبریزی از فعالان این جریان هستند. (۲)

رویکرد سوم، به هیچ وجه تقریب را نمی پذیرد؛ به همین دلیل با مناسبت ها و نمادهایی که حاکی از وحدت مذهبی باشد، مانند «هفته ی وحدت» مخالفت می ورزند. سید صادق شیرازی و یعسوب الدین رستگار جویباری در این دسته جای می گیرند.

موضوع سخن این فصل، رویکردهای دوم و سوم است که با عنوان «جریان برائتی» بدان خواهیم پرداخت.

مهمترین دغدغه ی این جریان، حفظ و گسترش هویت شیعی نسبت به اهل سنت با تاکید بر مدار و اولویت ائمه معصوم علیهم السلام است. تولی (دوستی با اولیاء الله) و تبری (دشمنی با دشمنان خدا) به عنوان دو عامل از فروغ دین، دستمایه ی این جریان برای پیشبرد نظریه ی خود است، که البته در این میان تعریف «دوستان» و «دشمنان»



اهمیت بسیار می یابد. این جریان غیریت سازی جدی با اهل سنت دارد و تقریب را عملی انحرافی، و ساخته و پرداخته ی رقیب می داند.

تبرائیان بر سر مسائل ذیل با جریان تقریبی اختلاف دیدگاه دارند: تاکتیک یا استراتژی بودن مسئله تقریب، لعن به صورت علنی، اقتدا به اهل سنت، جواز غیبت اهل سنت، ازدواج با اهل سنت، نماز میت و تکبیر اربعه، طهارت اهل سنت، تلقی ولایت به عنوان شرط قبولی اعمال، صحابه و جایگاه آنان، ذبح در مراسم حج، نقش تبری در اعتقادات، ارتداد مسلمانان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روایات ۷۲ فرقه و روایات «من لم يعرف امام زمانه...».

بر اساس تلقی جریان برائتی، مهمترین بحران جامعه شیعی در حال حاضر، تهاجم شبهات از سوی وهابیت، بهائیت و مسیحیت است و برای حفظ جامعه ی شیعی چاره ای جز تمسک به قرآن و روایت نیست. ایشان با استناد به روایت: «علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفارته» (۳) علمای شیعه را مرابطان ثغوری می دانند که یک طرف آن ضعفای شیعه و طرف دیگر ابلیس و عفاریت اویند:

«ائمه دین زمانی را پیش بینی می کردند که خطر اصلی متوجه عقاید حقه ی شیعه می شود... در چنین زمانی که ابلیس با تمام عفاریتش تجمع کرده که در قلوب ضعفای شیعه رخنه کند، کسانی باید مرزبان این مرز باشند تا شیعیان را بر عقاید حقه شان استوار سازند.» (۴)

این جریان به روایتی از امام جواد علیه السلام تمسک می کند مبنی بر اینکه هر کس سرپرستی یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله را،

همان‌هایی که از امامشان دوره افتاده‌اند و در حیرت جهل غوطه‌ور و در دستان دشمنان ناصبی ما اسیرند، بر عهده‌گیرند، مقام و منزلتش نزد خداوند به بهترین وجه بر عابدان برتری و فضیلت دارد. (۵)

آنان شرایط روایت را به زمان حاضر مطابقت می‌کنند و معتقدند:

«آن روز وضع امروز این مملکت را دیده‌است... در زمان حاضر، وهابیت، در اثر اینکه در حق ایتام آل محمد صلی الله علیه و آله از جهات مختلف کوتاهی شده و بر اثر تایید اجانب، برایشان سیطره پیدا کرده است.» (۶)

در این شرایط بحرانی که «وهابیت، بهابیت و مسیحیت در مملکت غوغا می‌کنند» (۷) مهمترین وظیفه‌ی حوزة «حفظ ثغور مذهب» است. جریان ولایتی، تکفل این مهم را بر عهده گرفته است.

## پی نوشت

۱. بنای این رویکرد به دیدگاه و تلاش های آیت الله بروجردی باز می گردد.

۲. سابقه این رویکرد به نگاه علامه امینی باز میگردد.

۳. امام صادق علیه السلام: «علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته، یمنعونهم عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا و عن ان یسلط علیهم ابلیس و شیعتہ النواصب، الا فمن انتصب لذلك من شیعتنا کان افضل ممن جاهد الروم و الترك و الخزر الف الف مرّة، لانه یدفع عن ادیان محبینا و ذلك یدفع عن ابدانهم». «عالمان شیعه ی ما محافظان اند در مرزی که در سوی دیگر آن ابلیس و دارو دسته اش

هستند. اینان مانع از شیاطین می شوند که به ضعفای شیعه ی ما حمله کنند و مانع از اینکه ابلیس و پیروان ناصبی اش بر آنان مسلط شوند. پس بدانید هر که اینگونه در مقام دفاع از شیعیان ما برآید هزار هزار برابر مرتبه اش از شخص جهاد کننده با روم و ترک و خزر بیشتر است. زیرا آنها (علما) از دین محبین ما و ایشان (مجاهدین) از جسم آنان دفاع می کنند» محمد باقر علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۵.

۴. حسین وحید خراسانی، مصباح الهدی، قم، مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۹۳، ص ۷۶.

۵. امام جواد علیه السلام: «ان من تكفل بايتام آل محمد المتقطعين عن امامهم، المتحيرين في جهلهم، الاسرا في ایدی شیاطینهم و فی ایدی النواصب من اعدائنا فاستنقذهم منهم و اخرجهم من حیرتهم و قهر الشیاطین برد و ساوسهم و قهر الناصبین بحجج ربهم و دلیل ائمتهم لیفضلون عند الله تعالی علی العابد بافضل المواقع باکثر من فضل السماء علی الارض و العرش والكرسى والحجب (علی السماء) و فضلهم علی هذا العابد کفضل القمر لیلط البدر علی اخفی کوکب فی السماء»؛ «به درستی هر که سرپرستی یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم - همان ها که از امامشان دور افتاده و در حیرت جهل غوطه ور و در دستان دشمنان ناصبی اسیرند - را بر عهده گیرد و ایشان را نجات داده و از سرگردانی برهاند و شیاطین را با دفع وسوسه هایشان مغلوب سازد و بر ناصبیان توسط حجت های پروردگار و دلایل امامانشان علیهم السلام چیره شود، مقام و منزلتش نزد خداوند به

بهترین وجهی بر شخص عابد برتری و فضیلت یابد، فضیلتی به مراتب بالاتر از فضل آسمان بر زمین و عرش و کرسی و پرده های آسمان و ماه شب بدر بر کم سوترین ستاره آسمان دارد». محمدباقر (علامه) مجلسی ، بحارالانوار، پیشین، ص ۶.

۶. حسین وحید خراسانی، مصباح الهدی، پیشین، ص ۲۹۸.

۷. همان، ص ۴۷۵.

## چهارچوب ها

چارچوب های مورد تاکید جریان اسلام برائتی برای حفظ ثغور تشیع عبارت است از:

### الف. بازگشت به قرآن و عترت

تبرائیان تاکید دارند برای سیرابی جامعه شیعی باید ایشان را با سرچشمه ی حقیقت آشنا ساخت. کتاب و سنت تنها منابع بیان معارف و سرمایه ی کار عالمان و رهبران دینی برای بیان اعتقادات است. کتاب، رابطه ی خدا با امت و عترت رابطه ی پیغمبر با امت است؛ قطع رابطه با کتاب، قطع رابطه با خدا است و قطع رابطه با عترت، قطع رابطه با پیغمبر است و قطع رابطه با پیغمبر خدا، قطع رابطه با خدا است. نباید این دو منبع با کلمات بشری مخلوط شود. غیر

از این دو منبع، مصون از خطا نیست و ارزش خضوع را ندارد و تنها کسانی کلمات این و آن برایشان مهم است که به بلوغ عقلی و علمی نرسیده اند. عقل غیر معصوم تا گور درکی ناقص دارد و هیچ یک از مراحل پنج گانه کمال انسانی: جهان شناسی، خودشناسی، خداشناسی، خودسازی و یکتاپرستی را نمی توان با عقل جزئی و بدون هدایت کل پیمود. «عقل کل و کل عقل و عقل عقول معصومان، علت آفرینش کل جهان و علت آفرینش انسان است و ایشان سید کائنات و اشرف مخلوقات حضرت محمد مصطفی(ص) و خاندان معصوم وحی او صلوات الله علیهم اجمعین هستند». با وجود آیات و روایات نیازی به عقل تنک مایه نیست و هر آنچه انسان برای سعادت دنیا و آخرت نیاز داشته باشد در نص آمده است.

#### ب. تاکید بر اصل امامت به عنوان اساس اسلام

در نظر این جریان «امامت» بهانه ی هستی و ملاک فوز نجات است. هر کس این اصل را نپذیرد امیدی به رستگاری او نیست. جهان در مداری از ولایات (ولایت مطلقه ی الهیه، ولایت تشریحیه الهیه، ولایت نبویه، ولایت علویه، ولایت نیابت خاصه، و ...) در حال حرکت است و امامت واسطه ی جریان ولایت الهیه بر زمینیان است. پذیرش امامت شرط لازم و کافی برای پذیرش دیگر اصول دینی است. هر حرکتی بر مدار این اصل مورد رضایت خداوند و خارج از آن باطل و غیر شرعی است: «اسلامی که مرضی خدا است، اسلام به شرط ولایت امیر المومنین(ع) است.» بر این اساس، چیزی خارج از این چارچوب، به عنوان اسلام پذیرفته نیست.

ج. تلقی مذکور با برداشت خاصی که از ولایت و امامت دارد، هر چیز و هر کس را با این ملاک می‌سنجد و نسبت به دوری یا نزدیکی به آن اعلام موضع می‌کند. تفسیر قرآن نیازمند معصوم است و بدون این مفسر، کتاب در مرحله ی نقص است: «قرآن وقتی سودمند است که با اهل بیت توأم باشد، زیرا اهل بیت مفسر قرآن، مبین احکام آن و تداوم بخش رسالت رسول خدا می‌باشند و با کنار گذاشتن اهل بیت، هم قرآن و هم رسول خدا در واقع کنار گذاشته می‌شوند.»

اگرچه قرآن برای همه ی افراد بشر و پاسخ‌گوی تمام نیازهای انسانیت در دنیا، برزخ و آخرت است، اما نیاز به معلم و مفسر دارد؛ روایات اهل بیت علیهم السلام مفسر قرآن و کلید فهم قرآن در روایات اهل بیت است. اصلاً معرفت خدا، جز به معرفت اهل بیت علیهم السلام امکان پذیر نیست. چنانچه حیات نباتی نیاز به هوا، آب و تابش نور آفتاب دارد، حیات قلوب نیز نیازمند هوایی است که عقل در آن تنفس کند؛ آبی که مایه ی زندگی شود؛ و تابش نور است. هوایی که عقل باید در آن تنفس کند، وحی است. آنگاه که آیات خدا بر عقول تلاوت می‌شود، هنگام تنفس عقل است. اما آبی که باعث رشد این بذر می‌شود حجت ابن الحسن عسگری علیهما السلام است. فیض جاری از آن سرچشمه و عین الحیاء علم و ایمان، آب حیاتی است که این بذر مواعظ را به ثمر می‌رساند. اما آن نوری که بدون آن حیات قلوب ممکن نیست. امام حسین علیه السلام است: (دایره ی تابش



نور اباعبدالله الحسین علیه السلام از ظلمات ارض تا سماوات علا) را در برگرفته است. از سوی دیگر در جای جای قرآن کریم نیز بر حقانیت عقاید شیعه تاکید شده است. آیت الله رستگار جوپبیری در تفسیر البصائر می کوشد جلوه های شیعه گری را در تفسیر خود برجسته کند. او در این تفسیر، اصول مذهب شیعه را به ذخایر عظیمی از روایات و آیات حواله می دهد و از یکایک آن ها در قبال تفکر اهل سنت دفاع می کند. مثلاً در تفسیر آیه ی «فأت ذی القربی حقه» پانصد صفحه درباره ی مسئله فدک بحث می کند. این جریان در استدلال بر دیدگاه های خود، به برخی از روایات تمسک می کند و میانه ی خوبی با جریان های عقل گرا و فلسفی و یا مصلحت اندیشی های زمانی و مکانی ندارد. به همین سبب با بخش هایی از جریان اجتهاد سنتی هم پوشانی هایی دارد و مکتب تفکیک به آن بیشتر احساس نزدیکی می کند.

#### د. ترویج عقاید امامیه

ولایتی ها، یکی از مهمترین وظایف حوزه های علمیه را در این شرایط خطیر، ترویج عقاید حقه ی شیعه ی دوازده امامی در کشور می دانند. علما به عنوان مرزبانان (مربطون) جامعه شیعی و متکفلان ایتام آل محمد(ص) در دوره غیبت وظیفه دارند عقاید حقه امامیه را ترویج کنند. در اوضاعی که شیاطین جن و انس، شبهات را در نفوس ضعیفه القا می کنند، باید عقاید شیعه در قالب «آیه محکمه» (شامل مبدا، معاد، نبوت و امامت)، «فریضه ی عاده» (شامل حلال و حرام، فرایض الهیه، حدود دین، معروف و منکر دین) و «سنه قائمه» (شامل تهذیب

اخلاق) برای مردم بیان شود. معرفت الهی در اندیشه شامل موارد ذیل می شود: تعلیم احکام خدا در دل ها، پاسخ به شبهات، شناسایی استعدادها و تربیت آنها، اخلاق، فضایل اهل بیت علیهم السلام، بیان روایات، فقط دعوت به خدا و اهل بیت.

یکی از پیش فرض های مهم اقدام فوق، تلقی شیعه به عنوان تنها گروه ناجیه و نفی دیگر تلقی ها و گروه ها، به ویژه اهل سنت است. نمایندگان این جریان هنگامی که در توصیف وضعیت جاری شیعیان، آنها را گرفتار دست ناصبی ها دانستند، ناصبیان را دشمنان اهل بیت علیهم السلام معرفی کردند. بنابراین یکی از مرزهای پررنگ، مرز میان میان شیعیان و اهل سنت است. لازمه ی این کار تعیین هویت های شیعی و از آن مهم تر اثبات حقانیتش نسبت به دیگر گروه های اسلامی است. جریان ولایتی با تمسک به روایاتی، مبانی نظری این اندیشه را تئوریزه می کند. ایشان تاکید دارند:

۱. اسلامی که مرضی خدا است، اسلام به شرط ولایت امیرامومنین (ع) است؛

۲. به واسطه ولایت امام علی (ع) دین کامل گشت و خداوند به آن راضی گشت؛

۳. اصلا دینی در عالم جز اسلام و اسلامی جز در مذهب شیعه نیست. سپس این گروه نتیجه گیری می کنند: «تنها یک خط الهی که آن دین واحد اسلام ولایتی و یک مذهب واحد که آن مذهب شیعه ی حقه ی دوازده امامی می باشد، قابل قبول نزد خداوند سبحان است.»

این تلقی موجب غیریت سازی شدید این جریان با اهل سنت می شود؛ چرا که آنها گوش به فرمان امام علی علیه السلام نداده اند و بر اساس روایت نبوی صلی الله علیه و آله «من اطاعنی فقد اطاع الله و من عصانی فقد عصی الله و من اطاع علیا فقد اطاعنی و من عصی علیا عصانی» ایشان از دایره ی خدا و پیغمبر خارج اند. اعمال ایشان نیز مورد قبول نیست؛ زیرا هیچ عملی جز با ولایت امام علی علیه السلام قبول نمی شود؛ چنانچه نماز بدون قبله قبول نمی شود. از این رو هنگام تشخیص ندادن قبله باید به چهارسو نماز خواند تا یکی به طرف قبله افتد، چون قبله بدل ندارد. اهل سنت پس از ارتحال حضرت رسول (ص) به جاهلیت برگشتند و با عبور از مرز توحید، در جاده های کفر و ضلالت و انحطاط و سقوط از انسانیت قرار گرفتند: «این غاصبان خلافت و سرسپردگان سقیفه ی ملعونه، محور همه ی شرارت ها، جنایت ها و خیانت ها، کانون تمام ستمگری ها، ظلم ها، خیره سری ها، و خودکامگی ها، درهای ورودی جمیع گناه ها، گمراهی ها و انحراف ها و پناگاه همه ی عقیده های باطل تا روز قیامت اند.»

قائلان به انسداد، ذیل جریان ولایتی معتقدند مذهب اهل سنت با تشیع تفاوت ماهوی دارد و در هیچ یک از تلقی ها درباره ی خدا، رسول و امام اشتراک ندارد. خدای شیعیان با خدای اهل سنت متفاوت است. چنان که تلقی آن ها درباره ی پیامبر، امام، معاد و برخی احکام با شیعه متفاوت است. با عنایت به آنکه مذهب شیعه تنها مذهب حقه ی عندالله است، انسدادیان «المغضوب علیهم والضالین» در سوره

توحید را (غاصبان خلافت و روندگان، چه قبل از آنها و چه بعد از آنها همانند یهود و نصاری و ...) و سرسپردگان آنها می دانند و با استناد به آیات ۲۲ و ۲۳ سوره محمد صلی الله علیه و آله، غاصبان خلافت را مستحق لعن مومنان می دانند. این مبانی، تبرائیان را به ویژگی دیگری رهنمون می شود و آن اولویت بخشی تبری بر تولی در فروع دین است.

هـ. تلاش در بزرگ نمایی نمادهای هویت ساز شیعه

این جریان بر احیا و پاسداشت نمادهای هویت ساز شیعه تاکید و اصرار دارد تا با علنی کردن آن، مرز بندی شفاف با اهل سنت ترسیم کند. این ویژگی به دو صورت جامه ی عمل می پوشد: نخست اعمال و عقایدی که زیر عنوان تبری گنجانده می شود و دیگری اقداماتی که به عنوان شعائر تولی معروف می شوند. و البته دسته ی اول مقدم و اولی نسبت به دسته ی دوم است.

## برائت بر ولایت مقدم است

در نظر این گروه، برائت بر ولایت مقدم است، «چنانچه اول تخلیه و تطهیر، بعد تحلیه و طهارت؛ زیرا بدون برائت، ولایت امکان ندارد» (۱) تا صحابه ی دروغین معرفی نشوند، صحابه ی راستین معرفی نخواهند شد (۲) و تشکیک در امر برائت، موجب تشکیک در امر ولایت می شود. (۳)

این نگره بر تمام وجوه اندیشه های جریان ولایتی سایه انداخته است و تلاش می کند ابعاد معرفتی مختلف خود را بر همین اساس تفسیر کند. ایشان تاریخ جهان را به اکثریت باطل و اقلیت حق تحلیل می برند و می کوشند با غیریت سازی های متعصبانه به حفظ، بسط و اقلیت شیعی همت گمارند. در نظر آنها اهل سنت در کنار کفار و اهل کتاب، در پی تضعیف اقلیت شیعه اند و شیعه ماندن به معنای

عَمَری، یزیدی و نصرانی نبودن است.(۴) این همان تبری است که عناصر هویت دهنده ی شیعه را سامان می بخشد. پس در تقویت هر آنچه که به تشیع قوام می دهد و آن را از دیگر مسلک ها متمایز می کند، بایست کوشید. در این شرایط، اشتغال فقه به آگاهی نسبت به احکام شرعیه ی فرعیه از ادله تفصیلیه پاسخ گو نیست. تفقه در دین، نه تفقه در طهارت تا دیات، بلکه مجموعه ی آموزه های دین است و با توجه به جایگاه تولی و تبری در آموزه های شریعت، عالمان دین باید بحث کنند که راه های تولی و تبری چیست؟

بر ما واجب است که هر کسی که خدا را به غضب آورده است، از او بریء باشیم. این فقه هست یا نیست؟

تولی بر ما واجب است یا مستحب است؟ اگر واجب است درجه ی وجوب چیست؟ موضوع تولی چیست؟

تبری چیست؟ ... در این مسائل باید فقیه شویم. چون اگر دین است باید در آن تفقه کرد.(۵)

ایشان با بهره برداری از روش نص گرایی در اجتهاد، به آیاتی از قرآن استناد و استدلال می کنند که «خدای متعال کافران، منافقان و آزار دهندگان رسول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت را سب و لعن کرده و ما نیز موظفیم طبق فرموده ی قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام از آنان برائت جوئیم و حقیقت نفاق و کفر نهانی آنان را آشکار سازیم».

## سلسله آیین ها در ترویج و تبلیغ اعمال برائتی

در نظر آنها بر اساس عقل و برهان و کتاب و سنت، به هر میزانی که تولی است، باید به همان میزان تبری وجود داشته باشد. این استدلال ها تمهیدات نظری لازم برای تئوریزه و عملی کردن سلسله آیین هایی را در ترویج و تبلیغ اعمال برائتی فراهم می آورد. اعلام نهم تا پانزدهم ربیع الاول به عنوان هفته برائت (۶) و یا اعلام نهم ربیع الاول به عنوان «غدیر ثانی» از اقدامات این جریان است. چنانچه تولی و تبری به عنوان دو بال تشیع محسوب می شوند، غدیر ثانی در کنار غدیر اول، دو بازوی اعتقادی اسلام را تشکیل می دهند. در تلقی این جریان، برگزاری آیین های عمرکشون، ابوبکرکشون و یا افشای هویت عایشه (۷) منجر به پررنگ تر شدن مرز میان شیعه و اهل سنت و

تمایز هویت شیعی می شود.

مجالس جشن و سرور در نهم ربیع الاول یک عمل اعتقادی و اصولی با پیروی از حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

و حضرات معصومین علیهم السلام می باشد. چه اینکه رسول خدا نخستین کسی بود که به امر خداوند متعال،

روز نهم ربیع الاول را روز جشن و سرور اعلان کرد و بدان عمل نمود.  
(۸)

گروه انسدادی از جریان برائتی اصرار دارند که آیین های فوق باید به صورت علنی باشد تا حکمت و آموزندگی داشته باشد. (۹) از این رو شبکه های ماهواره ای منتسب به این جریان، ابائی از پخش آیین ها و سخنرانی های برائتی ندارند و در مقابل احتجاج مخالفان که اینگونه اقدامات را موجب عمیق تر شدن اختلافات شیعیان و اهل سنت و نفی وحدت می دانند، استدلال می کنند که از اساس وحدتی میان این دو گروه وجود ندارد.



## استدلال جریان برائتی برای نفی وحدت

استدلال ایشان دو مقدمه دارد: نخست روایت نبوی صلی الله علیه و آله مبنی بر آنکه امت ایشان به ۷۳ فرقه تقسیم می شود که همه آنها در آتش جهنم عذاب خواهند شد، مگر یک فرقه؛ (۱۰) مقدمه دوم آن که «تنها یک خط الهی و آن دین واحد اسلام ولایی و یک مذهب واحد و آن مذهب شیعه حقه ی دوازده امامی هست که قابل قبول نزد خداوند سبحان است» (۱۱) در این صورت بین «دو فرقه ی متخالف شیعه و سنی از روز رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله» وحدتی نبوده است تا اینگونه اقدامات موجب اختلاف شود. شعار وحدت، نقشه ای شیطانی برای «خلط بین حق و باطل و تضعیف حق» است که «به نابودی حق منتهی می شود». (۱۲)

بدون تردید کسانی که شعار بی شعور هفته ی وحدت (نکبت) بین شیعه و عامه و تقریب بین ادیان،

ملل، نحل و مسالک و ... را سر داده اند ... یا معنی وحدت در امور اعتقادی را نفهمیده و به حقیقت درین مبین اسلام،

جاهل و نادان با فطرت توحید بیگانه و با خالق خویش نامحرم و از مفهوم انسانیت به دورند که غالباً همین طورند

و یا خود فروخته، خود باخته، فرومایه، هویت از دست داده و مزدور و عامل مستقیم و غیرمستقیم بیگانه اند،

اگر چه دم از دین، مذهب و تقدس می زنند. (۱۳)

انسدادیان چند حکمت را برای این اظهار تنفر و انزجار برشمرده اند: یک. دشمنان را وادار به پذیرش حق و ایمان می کند؛ دو. در صورت نپذیرفتن و ایمان، قطعاً تزلزل در عقاید باطل و افکار فاسدشان پدید می آید؛ سه. حداقل حجت را برای آنان تمام می کند؛ چهار. از پیوستن دیگران به آنان پیش گیری می کند. (۱۴)

## بزرگ نمایی نمادهای شیعه

بخش دوم فعالیت جریان ولایتی در بزرگ نمایی نمادهای هویت ساز شیعه، به گسترش و تعظیم آیین های عرض ارادت به حضرات معصومین علیهم السلام بازمی گردد. گروه اعتدالی این جریان، بر وجوه اثباتی تاکید بیشتری دارند و معتقدند اگر جریان اثباتی اهل بیت علیهم السلام برای مردم بیان شود، نیازی به تعرض به دشمنان آن ها نیست: «چرا که نور ظلمت را محومی کند».

برگزاری آیین های عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام یکی از راه های بیان فضایل و حفظ جامعه ی شیعی در مقابل هجوم افکار منحط است. اگرچه تا پیش از این آیین های مذهبی به دهه ی عاشورا محدود می شود، ولایتی ها بر اقامه ی عزاداری برای دیگر معصومان علیهم السلام

به ویژه حضرت سلام الله عليها، امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام به سبک عاشورا و بیرون آمدن دسته جات عزاداری تاکید دارند. عاشورایی کردن سالروز شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها تعبیری است که آیات عظام شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی بارها به کار برده اند و عملاً با پای برهنه و محزون چنین مراسم را در قم برگزار می کنند. ایشان حفظ و تعمیق چنین مراسمی را مصداق «احیوا امرنا» می دانند که در روزگار جدید به دلیل گسترش فراوان شبهات بر علما به توصیه ی روایت «اذا ظهرت البدع و جب علی العالم ان یتظهر علمه فان لم یفعل سلب منه نور الایمان» واجب شده است.

وظیفه عقلی و شرعی ایجاب می کند با تعظیم شعائر مذهب که مصداق بارز آن

ارادت به مقام صدیقه ی کبری است، اعتصام به حبل الله را که قرآن و عترت می باشد ابراز

و طریقه ی حقه را از قطاع الطریق سبیل الله الاعظم صیانت نمایند. (۱۵)

این جریان با هرگونه خدشه بر آیین ها و شعائر منتسب بر ائمه علیهم السلام به شدت مبارزه می کند و آن را از وسائس و وساوس شیطان می داند. در سال ۸۳، زمانی که علامه ی عسگری در میان جمعی از طلاب در اصل و سند زیارت عاشورا و حدیث کسا تردید کرد، مرحوم شیخ جواد تبریزی گفته های او را موجب ضلالت دانست و اجتهاد او را زیر سوال برد. مرحوم تبریزی از او خواست تا استغفار کند. (۱۶)

## جایگاه ویژه ی عزاداری برای امام حسین(ع)

در این میان، عزاداری برای امام حسین علیه السلام جایگاه ویژه ای دارد. توحید خدا، مبدا و معاد، نبوت انبیا، وصایت اوصیا، تمام کتب آسمانی، همگی ممنون خون سید الشهداء اند. (۱۷) بنابراین در اقامه ی عزا برای او نباید هیچ گونه مصلحت اندیشی و ملاحظه کاری را در نظر گرفت؛ از این روی، برخی از ایشان حکم به استحباب قمه زنی کرده اند و کارهایی مانند بر روی آتش راه رفتن، بر روی خار رفتن، بر روی شیشه غلتیدن و با زنجیر تیغی به کمر زدن که خون جاری شود، برای عزاداری امام حسین علیه السلام را جایز دانسته اند.

وای بر کسانی که در این شعائر خدشه کنند! بیدار باشید! مردم ایران! بدانید

که کوچک ترین کلمه که شعائر حسینیہ را سست کند، کمر خاتم النبیین را می شکند.

این عزاداری ها، این سینه زنی ها، این زنجیر زنی ها باید به حد اعلی حفظ شود...

وارحم تلك الصرخة التي كانت لنا، این بی سواد ها غلط می کنند می گویند آهسته گریه کنید... فقیه کیست؟

فقها ور افتادند! فقیه نایینی است! فقیه برو جردی است! فقیه حائری است! فقیه اینانند که می گویند سینه بزیند،

زنجیر بزیند، خون هم جاری بشود، بشود! این است فقیه. (۱۸)

به نظر می رسد مبانی فکری این جریان در نوع فتوا دادن نمایندگان آن تاثیر گذار بوده است. چنانچه ایشان به جواز گریه کردن بانوان با صدای بلند در مجالس عزاداری، هر چند مردان نامحرم در مجالس مذکور حضور داشته باشند، فتوا داده اند. (۱۹) و یا قائل شده اند که تلویزین و رادیو و مانند اینها از موونه به حساب نمی آید و خمس داد، اما ضبط صوت که برای نوار مذهبی استفاده شود و یا بلندگو برای مجالس دینی از موونه ی سال محسوب می شود و خمس ندارد. (۲۰)

## گره خوردن بقای قرآن به عاشورا و بقای عاشورا به قمه زنی

نمونه دیگر مربوط به کف زدن است که حتی در هنگام سرودهای مذهبی در مساجد و حسینیه ها در مراسم شادی اهل بیت علیهم السلام جایز نیست؛ ولی کف زدن در مجلس عیدالزهره سلام الله علیها در نهم ربیع الاول مانعی ندارد. (۲۱) فتوا به جواز و ترویج قمه زنی از دیگر برنامه های این طیف در راستای برگزاری با شکوه عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام است. بقای قرآن به عاشورا گره خورده است و بقای عاشورا به قمه زدن ها، در میان آتش رفتن ها، تیغ زدن ها و زنجیر زدن ها و سینه زدن ها و قافله و دستجات به راه انداختن هاست. قمه زدن و تیغ زدن یعنی تبعیت از حضرت زینب کبری (س) و یاد آور آتش زدن خیمه های امام حسین علیه السلام و آتش گرفتن

دامان اطفال امام حسین علیه السلام در هنگام غروب عاشورا است. (۲۲) همین تلقی کفایت می کند تا تبراویان در قبال رای و نظر رسانه های غربی درباره ی قمه زنی موضع بگیرند و ممنوعیت علنی آن در جمهوری اسلامی ایران را نشانه ی ضعف مسوولان در مقابل القائات بیگانگان بدانند. ایشان مواضع نسبتاً تندی در مقابل برخی از فتاوا ی دیگر مراجع در خصوص حرمت قمه زنی و با لطمه زدن به بدن در آیین های عزاداری امام حسین علیه السلام اتخاذ می کنند. (۲۳)



## پی نوشت

۱. یعسوب الدین رستگار جویباری، پاسخی بسیار عمیق با دوستان اجمال و تفصیل پیرامون وحدت و اتحاد میان ادیان و افراد: (سومین مجموعه) (نسخه افست منتشره از سوی دفتر نویسنده)، ص ۴۸؛ همو، حقیقت وحدت در دین، پیشین، ص ۲۶، ۲۸، ۱۰۶.

۲. همان، ص ۱۲۲.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. ستاره فروزان علم و عمل (مروری بر زندگی حضرت آیت الله العظمی یعسوب الدین رستگار جویباری)، قم: (بی نا)، ۱۴۲۱ق، ص ۴۲-۴۱.

۵. حسین وحید خراسانی، فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه یوصل رسالت و امامت، پیشین، ص ۲۶-۲۳.

۶. در بیانیه شبکه ی امام حسین علیه السلام در این خصوص آمده است: با نزدیک شدن به ایام فرحۀ الزهرا و غدیر ثانی، شورای سیاست گذاری شبکه ی امام حسین علیه السلام در بیانیه ای اعلام داشت که روز نهم ربیع الاول طبق فرموده اهل بیت علیهم السلام روز غدیر ثانی نام گذاری شده است...از رو بر خود لازم میدانیم که از روز نهم تا پانزدهم بیع الاول را به عنوان هفته ی برائت نام گذاری کنیم تا از این شبکه مقدسه پیام برائت از دشمنان خاندان رسالت را به اتکاء به عمل معصومین به جهان صادر نماییم.

۷. یاسر الحبیب نویسنده ی کتاب موهن «الفاحشه: الوجه الاخر لعائشه» در پایگاه اطلاع رسانی خود چنین می نویسد: «پس از مدت ها انتظار و درخواست های متعددهیئت خدام المهدی علیه السلام مبادرت به چاپ کتاب الفاحشه الوجه الاخر لعائشه نموده است. کتاب مذکور بیش از هزار صفحه می باشد و حجیم ترین کتابی است که تا امروز در رسوا ساختن دشمن خدا، عائشه بن اب بکر تالیف شده است. کتاب دارای هفت فصل است که حساس ترین آنها فصلی است که ارتکاب زنا توسط عایشه را بیان می کند و شیخ در این فصل به بیان ادله پرداخته و به اعتراضات و ایرادات پاسخ گفته اند». او پس از آن مراسم جشنی در سالروز فوت عایشه برپا کرد و طی سخنانی با ذکر ادله به اثبات نفاق عایشه پرداخت و در پایان سخنان خود گفت: «جشن گرفتن به مناسبت هلاکت عایشه ضرورتی دینی است، چه اینکه روز

هلاکت عایشه پیروزی اسلامی عظیمی به شمار می رود» سایت وی طی گزارشی از این مراسم می نویسد «شبکه ی ماهواره ای فدک این جشن مبارک و وقایع آن را پوشش داده و پخش نمود. ضمن اینکه در بالای صفحه شبکه نیز شعار «الله اکبر - عایشه فی النار» برای اولین بار در تاریخ شبکه های تلویزیونی قرار داده شد و در فواصل مختلف برنامه، سرود هایی به مناسبت و شادی از هلاکت رأس الکفر عایشه وشکر نعمت برائت از او پخش گردید.»

۸. یعسوب الدین رستگار جویباری، حقیقت وحدت در دین، پیشین، ص ۹۶.

۹. همان، ص ۹۳-۹۲.

۱۰. «ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة کلهما فی النار الا فرقة واحدة»

۱۱. همان، ص ۶۱ و ۶۰-۶۱.

۱۲. همان، ص ۷۴. وی در صفحه ی ۲۱ از همین کتاب تصریح می کند: «هفته وحدت در واقع سقیفه ی دوم برای نابودی شیعه است»

۱۳. همان، ص ۶۱.

۱۴. همان، ص ۸۷.

۱۵. حسین وحید خراسانی، در آستانه ی مصیبت عظمی شهادت صدیقه ی کبری علیها سلام، قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۳۴.

۱۶. در سوگ فقیه وارسته، مدافع راستین اهل بیت علیهم السلام  
آیت الله العظمی شیخ میرزا جواد تبریزی، (بی جا) : (بی نا)، (بی تا)،  
صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۱۷. حسین وحید خراسانی، مصباح الهدی، پیشین، ص ۲۴۱.

۱۸. همان، ص ۲۴۳.

۱۹. برای مطالعه فتاوی مشابه رجوع کنید به سایت آیت الله شیرازی:  
<http://prssin.shirazi.ir>

۲۰. یعسوب الدین رستگار جویباری، رساله ی توضیح المسائل، قم: بی  
نا، ۱۴۲۴ق، مسئله ۲۵۳۱.

۲۱. همان، مسئله ۳۲۸۹.

۲۲. به نقل از هبد الوهاب فراتی، روحانیت و تجدد، پیشین، ص ۲۹۵.

۲۳. دو جریان در بیرون و حاشیه حوزه ی علمیه در تقابل جدی با جریان  
اسلام برائتی قرار دارند:

الف) تجددگرایان در اندیشه اسلامی که محور های تقابل این جریان با  
جریان اسلام برائتی به محور هایی از قبیل فکر اصلاح دینی، بازگشت  
به قرآن، مبارزه با خرافات دینی، پیروی از سلف صالح و اسلام  
نخستین و بی پیرایه باز می گردد. این جریان از سوی متفکرانی  
مانند شریعت سنگلجی، سید اسدالله خرقانی، احمد کسروی، سید  
علی اکبر برقعی پایه گذاری گردید و در دوره معاصر از سوی محمد

خالصی زاده ، حیدرعلی قلمداران و سید ابوالفضل برقعی تداوم یافت. بسیاری از اندیشه های جریان ولایتی مانند: غیبت امام زمان عجل الله تعالی ، رجعت، معاد جسمانی، معراج شفاعت، معجزه های انبیاء و زیارت قبور ائمه علیهم السلام مورد چالش و انکار جریان تجدد گرا است. به عنوان نمونه سنگلجی در کتاب «توحید عبادت» (ص ۲۴) پس از برشمردن مصداق های شرک در میان مسلمانان تصریح می کند: «همان شرکی که قرآن نهی کرده است در میان بسیاری از مسلمانان به طور بارز تری منتشر است: قبر پرستی، سنگ پرستی، سنگ پرستی، مرشد پرستی، تبرک به سنگ قدمگاه، سقاخانه ها، و هزاران چیز از این قبیل...» موضوعاتی مانند انگشتر به دست کردن یا نذر کردن برای غیر خدا از دیگر موضوعات مورد مناقشه از سوی اوست.

شیخ هادی نجم آبادی (استاد سنگلجی) با انتقاد به برگزاری مراسم عزاداری ، روایاتی مانند «حب علی حسنة لا یضر معها سیئة» را نفی میکند و می نویسد: (این اعلی مراتب شرک است) «تحریر العقلاء؛ ص ۱۳۳-۱۳۵» او در ادامه معتقدان به شفاعت را غافلان از حقیقت توحید می خواند و توصیه می کند که ایمان به خداوند باید «بلا شفیع» باشد (تحریر العقلاء، ص ۲۶۸-۲۶۷) وی در فرازی دیگر چنین می نگارد که برخی کسانی که به معصیت میل دارند ، باوری را بر میگزینند که عفو و خلاص از عقاب آخرت در آن باشد. پاک شدن از گناهان به سبب بکاء بر حسین علیه السلام و اعتقاد به «حب علی لا یضر معها سیئه» نمونه هایی از این باور است. (تحریر العقلاء، ص ۲۹۴)

مهمترین دغدغه جریان فوق شکل گیری بدعت و خرافه در مذهب

شیعه است که موجب عقب ماندگی جامعه اسلامی و نیز بی اعتنایی نسل جوان به دین شده است. قلمداران که در سال ۱۳۶۸ در اطراف قم دار فانی را وداع گفت، تلقی خود از بدعت را این گونه می نمایند: «ما خود امروز شاهد و ناظر اعمال بسیاری هستیم که به عنوان اعمال دینی و اوامر مذهبی صورت می گیرد که نه تنها در دین خالص و شریعت صحیحیه ی اسلامی اثری از آن نیست، بلکه (شارع) در حال مبارزه با آن است، چون تشریفات نامشروع برای اموات و ساختمان بقاع و ضرایح و تجدید و تعظیم قبور و وقف املاک و اشیاء بر گور مردگان و زیارت های اختراعی و مسافرت های بدعی مذهبی و نذورات حرام بر انداد و تعزیت و تظاهرات قمه زن و سینه زن و مخارج و مصارف گزاف و نوحه خوانی های ممنوع و قصیده پردازی های غالیانه و شبیه در آوردن خلاف شرع و عقل و قربانی های ما اهل لغیر الله و خواندن دعا های مجعول و نامعقول در ایام و لیالی متبرکه و صد ها از اینکه ما حتی به اشاره هم قادر نیستیم که آنها را نام ببریم. نعوذ بالله من سخطه و غضبه»

ب) جریان دوم مربوط به متفکرانی مانند عباس یزدانی و سید حسین مدرس یزدی است که با نظریه علمای ابرار، تنها برای امامان نوعی مرجعیت علمی قائل بودند و آنان را دانشمندی پاک و پرهیزگار می دانستند و منکر وجود صفاتی فوق بشری از قبیل عصمت در آنان بودند. به عقیده ایشان در عصر حضور معصومین برخی از صحابه در مسائل علمی با آنها اختلاف نظر پیدا می کردند و حتی گاهی در مسائل فقهی از آنان در خواست سند می کردند.

اما به مرور دو گونه فقه در جامعه شیعی شکل گرفت: گرایش استدلالی و عقلی که در چارچوب نصوص قرآن و سنت قطعی پیامبر صلی الله علیه و آله به اجتهاد می پرداخت و گرایشی که فقط به حفظ و نقل حدیث می پرداخت. گرایش اخیر به تدریج در عصر غیبت بر مراکز علمی شیعه چیره شد. در نظر این جریان فراگیری روایات حاوی مطالبی غلوآمیز در باره ی ائمه علیهم السلام تاکنون توانسته است حقیقت دین را از ذهن شیعیان خارج کند. (برای مطالعه پیش تر ر. ک: عباس یزدانی، عقل فقهی و سید حسین مدرسی، مکتب در فرایند تکامل).

دو خورده جریان فوق نتوانسته اند در حوزه ی معاصر قم جایگاهی بیابند و بیش تر در حاشیه و بیرون از مناظرات فکری حوزه پیگیری می شوند. لذا به اجمال و خارج از متن به آن پرداخته شد. اما مهم آن است که این دو جریان با نقد های خود، جریان اسلام برائتی را به چالش فرا می خواند.

جریان اسلام برائتی، با پایبندی به اصول خود، مشی دوگانه ای را در برابر اندیشه انقلاب اسلامی اتخاذ کرده است. ایشان که سابقه ی انقلابی چندانی ندارند و در پیروزی انقلاب نقشی نداشته اند، در تداوم مسیر انقلاب نیز همراهی چندانی از خود نشان نداده اند و البته در این میان جریان ولایتی، رویکرد مناسب تری نسبت به جریان انسدادی دارد.

## مخالفت با عمل و اندیشه انقلاب اسلامی

آیات، یعسوب الدین رستگار جویباری و سید صادق شیرازی، به نمایندگی از جریان انسدادی، نظریات و فتاوی متعددی در مخالفت با عمل و اندیشه انقلاب اسلامی ابراز داشتند. جویباری از باب امر به معروف و نهی از منکر، به بحث فقهی در باره ی اجتماعیات می پردازد. او بهبودی امور و وضع معاش و تعالی فکری فرهنگی مسلمانان را بر هر مسلمانی واجب می داند(۱) و معتقد است باید روابط و نظام حقوقی جامعه، بر اساس آموزه های اخلاقی و فقهی دین اسلام تنظیم گردد.(۲) وی در مقابل ولایت فقها، ولایت عامه را مطرح و به دنبال تحقق جامعه دینی است؛ از این رو با هر آنچه مانع این هدف باشد به مخالفت برمی خیزد. از حیث نظری، حذف کلمه ی «حقه» از مذهب تشیع در پیش نویس قانون اساسی، ابهام در مفهوم ولایت فقیه، طرح



بند جیم و دال (مبنی بر القای مالکیت خصوصی) در شورای انقلاب از مهمترین محورهای مورد مناقشه از سوی جویباری است. برخی از عملکردهای انقلابیان نیز با تفکرات جویباری مطابقت ندارد.

برای نمونه او معتقد است برای اجرای حدود الهی و اقامه ی تعزیرات اسلامی در زمان غیبت امام زمام علیه السلام بر مجتهد جامع شرایط واجب است (۳) و نباید به بهانه ی واهمه داشتن از حقوق بشر، اجرای حدود الهی به همان سبک و سیاق گذشته تعطیل گردد؛ (۴) بنابراین کسانی که اجرای حدود الهی در ملا عام را موجب وهن اسلام می دانند، نه معنای فقاقت را می دانند و نه به درکی از فلسفه احکام رسیده اند. (۵)

این دیدگاه اکثر برنامه های صدا و سیما را دارای حرمت شرعی، مفسد اخلاقی فراوان و حرام می داند. (۶) او ایده ی تنظیم خانواده را توطئه ی بیگانگان برای انقراض شیعیان و نسل کشی شیعه تحلیل می کند که روحانی نماهای شیعی ایران را گول زده است. ایشان با تاکید بر آنکه زمان تابع حکم است و نه حکم تابع زمان، به مخالفت با برخی از احکام صادره از سوی جریان اجتهاد پویا پرداخت.

جویباری نظر امام خمینی (ره) درباره ی حلیت شطرنج را این گونه نقد می کند: «آیا حضرت ولی عصر روحی له الفدا. العیاذ بالله، مثل شما می فرماید: شطرنج برای تمرین فکری اشکال ندارد؟ حرام خدا را حلال کردن، و حلال خدا را حرام نمودن اشکال ندارد؟ عبادت را تعطیل نمودن اشکال ندارد؟» (۷)

## مخالفت با نظام و اندیشه های امام خمینی(ره)

جویباری به اقتضای گرایش انسدادی اش، بیشترین حمله را به نظام، به سبب طرح شعار وحدت بین شیعه و سنی و تعیین هفته ای به همین نام دارد. وی در سال ۱۳۸۲ با تدوین و چاپ غیرقانونی کتاب «حقیقت وحدت در دین» و «حکمت عیدالزهره سلام الله علیها» بانیان و طراحان هفته وحدت را جاهل و نادان به حقیقت دین اسلام، نامحرم با خالق خویش، دور از مفهوم انسانیت و یا خودفروخته، خودباخته، فرومایه، مزدور و عامل مستقیم یا غیر مستقیم بیگانه برشمرد. (۸) توزیع این کتاب که حاوی تهمت های فراوانی علیه خلفای اهل سنت بود، در مناطق سنی نشین، موجی از اختلافات مذهبی را دامن زد و نهایتاً منجر به دستگیری و زندانی شدن جویباری شد. وی پس از آزادی از زندان، صریح و بی پرده به مخالفت با نظام و اندیشه های امام

خمینی(ره) پرداخت. او در این مقطع ولایت فقیه را به معنای نظارت و نه دخالت در حکومت معنا کرد.(۹) جویباری با توهین های مکرر به امام خمینی(ره) مدعی شد: «انقلاب رجّاله گان از روی حجرالانقلاب در مدرسه فیضیه ی قم، با مبارزه ی مسلحانه و ترور و آدم کشی و آدم ربایی و گروگان گیری و هتک حرمت به مرجعیت دینی و مذهب شیعه آغاز شد.»(۱۰)

در نهایت جویباری به علما توصیه می کند، طبق روایت «اذا ظهرت البدع فی امتی، فلیظهر العالم علمه، فمن لم یفعل فعليه لعنة الله» به گل کاری های کنار خیابان ها و فضاهای سبز جاده ها و... دل خوش نکنند، بلکه به «تخریب اسلام و اعتقاد ملت، غارت و نابودی مملکت ایران و گریز از بلوک غرب خداپرستان و غلتیدن در آغوش شرق بی خدایان» توجه کنند.(۱۱) با این شرایط می توان گفت رستگار جویباری، فاصله ی زیادی با اندیشه انقلاب اسلامی و تئوری

های رهبران آن گرفته است.

دقت در دو گانه های ذیل، تا اندازه ای گویای فاصله میان این دو جریان است.

### اظهار نظرهای رستگار جویباری

(امام) خمینی از انقلاب ... دو برنامه بسیار خطرناک برای اسلام و مسلمین و روحانیت شیعه و مردم جهان دارد:

۱. کمونیستی به نام اسلام که به مشوه شدن دین مبین اسلام می انجامد.

۲. وهابیت به نام شیعه که به درگیری و فتنه فراگیر جهانی منتهی می گردد. (۲۱)

(خطاب به علما) به پارک های مراکز فحشا و جرایم وبه مترو های محالّ قول ها و قرارها و مدار های فساد و به رسانه های گروهی گمراهی دل خوش کرده اید؟ (۳۱)

(امام) خمینی با انقلاب ننگین خود و رهروانش، دین مبین اسلام را ملعبه ی سیاسی خود قرار داده اند و حرمت رسالت علیهم السلام و قداست مرجعیت دینی و روحانیت را دریده و حقانیت مذهب شیعه را لکه دار و باعث ننگ آن شده اند و با بهانه ی مزورانه ی وحدت میان دو مذهب متضاد شیعه و عامه، مذهب التقاطی برای شیعه پدید آورده اند. (۴۱)

آیا حضرت ولی عصر علیه السلام - العیاذ بالله مثل شما- می فرماید: شطرنج برای تمرین فکری اشکال ندارد؟ موسیقی سنتی اشکال ندارد؟ حرام خدا را حلال کردن و حلال خدا را حرام نمودن اشکال ندارد؟ عبادت را تعطیل کردن اشکال ندارد؟ (۵۱)

هیچ حلال زاده ای نمی تواند بگوید: شاه به دین اسلام و مذهب شیعه خیانت کرده است. در چه زمان شاه گفت: سلطنت او می تواند توحید را تعطیل و هر حلال را حرام و هر حرامی را حلال و عبادات الهی را با مصلحت تراشی های شیطانی تعطیل کند؟ (۶۱)

#### اظهارات امام خمینی (ره)

دستهای دیگر از روحانی نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می دانستند...یک مرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آن همه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند، تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند.

دیروز مقدس نماهای بی شعور می گفتند دین از سیاست جدا است و مبارزه با شاه حرام است، امروز می گویند مسوولین نظام کمونیست شدند.

تا دیروز مشروب فروشی ها و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمانارواحنه فداه. را مفید و راه گشا می دانستند، امروز از اینکه در گوشه ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسوولین نیست رخ دهد، فریاد و اسلاما سر می دهند.

راستی اتهام آمریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرام ها و حرام کردن حلال ها، اتهام کشتن زنان آبستن و حلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می شود؟ از آدم های لامذهب یا از مقدس نماهای متحجر و بی شعور؟

ولایتی های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود رابانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند؟ (۷۱)

جریان انسدادی، با تمسک به دسته ای از روایات، داعیه دار پیشبرد جریان ولایت در جامعه است و بر اساس مشی نص گرای خود، نمی تواند ارتباطی با منطقه ی فراغ شرع و جریان عقل پیدا کند.

## پی نوشت

۱. یعسوب الدین رستگار جویباری، رساله توضیح المسائل، پیشین، مسئله ۳۱۱۹.
۲. همان، مسئله ۳۱۲۱.
۳. همان، ۷۵۷.
۴. همان، ۸۷۸.
۵. همان، ج ۲، ص ۵۴۱.
۶. همان، مسئله ۴۷۰۰.
۷. همو، حقیقت وحدت در دین، پیشین، ص ۶۶.

۸. همان، ص ۶۴.

۹. همو، دیدگاه های محققان اندیشمند حوزه ها و پرسش های نو پژوهشگران دانشگاه ها با پاسخ ها و پیام های نوین به همه طبقات مردم از تبعید گاه یزد، (پنجمین مجموعه) (نسخه افسست توزیعی از سوی دفتر وی)، ص ۳.

۱۰. همان، ص ۸.

۱۱. همان، ص ۱۳.

۱۲. رستگار جویباری مدعی است این سخنان را در نخستین روز های پیروزی انقلاب و در پاسخ به سوال آیت الله گلپایگانی که «این انقلاب را چگونه ارزیابی می کنید؟»

۱۳. همان، ص ۱۳.

۱۴. همان، ص ۹.

۱۵. همو، حقیقت وحدت دردین، پیشین، ص ۶۶.

۱۶. همو، دیدگاه های محققان اندیشمند حوزه ها...، پیشین، ص ۱۱.

۱۷. امام خمینی، منشور روحانیت، پیشین، صص ۱۴-۱۵.



## آیت الله سیدصادق شیرازی

آیت الله سیدصادق شیرازی، دیگر نماینده این جریان، با تاکید بر وجاهت نداشتن وحدت شیعه و سنی و تبلیغ این اندیشه در شبکه های ماهواره ای منتسب به خویش، در مقابل سیاست راهبردی جمهوری اسلامی قد علم کرده است. وی که قائل به شورای فقاہت در دوره ی غیبت است(۱)، همانند جویباری، به دنبال تحقق جامعه دینی/شیعی است. از این رو پس از برشمردن وجوهات چهار گانه اسلامی(خمس، زکات، خراج و جزیه) اظهار عقیده می کند: «دولت اسلامی به هیچ وجه حق دریافت مالیاتی غیر از این چهار قسم را ندارد»(۲)، او با خدمت اجباری سربازی نیز مخالف است.(۳)

برخورد با دفاتر شبکه های ماهواره ای و مواضع کنایه دار شیرازی،

آینده مبهمی را در توصیف نسبت این جریان با اندیشه‌ی انقلاب اسلامی ترسیم می‌کند. وی تمایلی برای برقراری ارتباط با نظام ندارد. نظام نیز وی را به عنوان یکی از مراجع به رسمیت نمی‌شناسد؛ بلکه در صدد است از جهت‌گیری تبراوی این جریان دوری کند و آن را به تندروهای فردی منتسب کند.

فتوای مقام معظم رهبری در حرمت اتهام زنی به همسر پیامبر اسلام پس از آن شکل گرفت که در اثر پخش مستقیم سخنرانی یاسر الحیب از شبکه‌ی فدک (در ۱۷ رمضان ۱۳۸۹) و انتساب نسبت‌های رکیک به همسر پیامبر اسلام فشارها بر شیعیان در کشور‌های عربی افزایش یافت. (۴) همچنین اعلام آزادی پخش اذان به سبک اهل سنت در شهر‌های سنی نشین، اقدامی نیست که مورد خوشایند جریان انسدادی باشد.

دسته‌ی دیگری از جریان اسلام براهتی که از آن به عنوان «ولایتی‌ها»

یاد شد، از رویکرد اثباتی بیشتری نسبت به اندیشه های انقلاب اسلامی برخوردارند. برای نمونه هر چند مرحوم آیت الله جواد تبریزی، فقیه عادل را نایب امام معصوم علیه السلام در تمام شئونش نمی دانست و در ارشاد الطالب ضمن بررسی رجالی و دلالی تمام احادیث مربوط به ولایت فقیه، تشبث دیگران به اینگونه روایات را ناتمام می دانست، اما هرگز مانع از حق فقیه جامع شرایط برای اداره نظام کشور نشد. او نظام برآمده از انقلاب اسلامی را «حکومت شرعیه» و مساعدت به آن را از اهم تکالیف تلقی می کرد. (۵)

وی با همین دیدگاه، در اوایل پیروزی انقلاب، برای پاسخ گویی به نیازمندی های حکومت اسلامی، به تدریس کتاب قضا و شهادت همت گماشت و بر اجرای حدود و دیات از سوی فقیه جامع شرایط تاکید کرد. او اعتقاد به جدایی دین از سیاست را موجب اختلال در ایمان مسلمانان می دانست و خالی دانستن دین از احکام مرتبط با حفظ نظام و اداره ی جامعه ی اسلامی را عقیده ی باطلی تفسیر می کرد. (۶) با وجود این، جریان ولایتی خود را درگیر امر سیاست نمی کند و در بسیاری از مسائل کلان نظام اسلامی ساکت می ماند. آنها علاقه مند به سیاسی نشدن حوزه یا در حاشیه بودن آن هستند. در همین زمینه، آیت الله وحید خراسانی به طلاب توصیه می کند: «وقت مردم را به روزنامه ها ضایع نکنید؛ خودتان و مردم را به این سیاست بافی ها سودا نکنید». (۷)

ایشان همواره بر استقلال حوزه علمیه تاکید دارند و از برنامه نظام سیاسی برای حوزه و مرجعیت نگران اند. ارجاع حوزه به مشی سنتی

و پرهیز از مداخلات نهادهای ساخت نظام، مورد تاکید این جریان است. تحول در کتاب های درسی، روش تدریس یا مباحثه یا ... مساوی است با نفی شیوه ی سلف، و دیگر فقیه پرور نخواهد بود.

با وجود پرهیزهای فوق، جریان ولایتی، در برابر کمترین احساس بی احترامی مسئولان نظام به حریم امامت یا شیعیان، موضعی سخت اتخاذ می کند. به عبارت دیگر، روابط خود با سیاست های جاری را در نسبت سنجی آنها با اندیشه ی ولایتی تنظیم می کند. آن قسمت از اندیشه و عمل نظام مورد تایید و همراهی آن ها است که به بسط گفتمان ولایت کمک کند. مثلاً آیت الله وحید خراسانی از آن جهت با آقای سید محمد خاتمی، به عنوان رئیس جمهور، رابطه ای حسنه داشت که در دولت او سالروز شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها تعطیل رسمی شد. اما هنگامی که صحبت از نشان دادن چهره ی بازیگری در نقش حضرت عباس علیه السلام در فیلم مختارنامه شد،

به شدت بر آشفت: «ای مردم بدانید! این نقش ها برای این است که وقتی قمر بنی هاشم علیه السلام را به آن صورت نشان دادند، دیگر این سوز و گداز در روضه ها نخواهد بود... ولی باید بدانند آنها که با چکمه و با کروات خواستند این چراغ را خاموش کنند، نشد، با این ریشها و با این یقه های باز هم این نور خدا خاموش شدنی نیست.» (۸)

این جریان، جامعه شیعی را در خطر انواع انحرافات فکری و تهدید عقاید جوانان می داند و از اینکه نظام اسلامی همه ی امکانات خود را در راستای جلوگیری از ترویج افکار انحرافی و ترویج عقاید حقه شیعه به کار نمی گیرد، گلایه مند است: «وهابیت، بهائیت و مسیحیت، در مملکت غوغا می کند و همه ی ما خفه شدیم. حکومت دنبال دستگاه خودش است و تشکیلات به این جوان هایی که در بوتة ی انحرافات، ضلالت، گرداب ها و کلیساهای خانگی افتاده اند، می رسد؟!... این امور وظایف حکومت است. او باید از این تبلیغات جلو بگیرد.» (۹)

ایشان زمانه ی حاضر را زمان حرج می داند که «لا یبقی من الایمان الا اسمہ و لا من الاسلام الا رسمہ و لا من القرآن الا درسه، مساجدهم معمورۃ من البناء و قلوبهم خراب عن الہدی.» (۱۰)

در این شرایط، جریان ولایتی حداکثر بهره را از شرایط جمهوری اسلامی برده است و با تاسیس مدارس علمیه، موسسات پژوهشی و آموزشی و تربیت طلاب، به باز نشر افکار و ایده های خود می پردازد. اعزام مبلغ به مناطق سنی نشین، حمایت از هیئت های مذهبی خاصی که

در طول سال برنامه دارند، اقامه ی عزاداری برای حضرات معصومان علیهم السلام به سبک دهه ی عاشورا، راه اندازی دهه ی محسنیه و گسترش دامنه ی عرض ارادت ها به منسوبان ائمه اطهار علیهم السلام مانند: ابوطالب، ام البنین، حضرت رقیه و... از برنامه های این جریان برای حفظ ثغور شیعیان است.

## پی نوشت

۱. سید صادق شیرازی، رساله ی توضیح المسائل، قم: موسسه فرهنگی رسول اکرم صلی الله علیه وآله - ۱۳۹۳، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۸۲.

۳. همان، ص ۸۴.

۴. شیخ عبد العزیز آل الشیخ (مفتی اول عربستان) در واکنش به اظهارات یاسر الحیب، گفت: «بعد از اسائه ادب یاسر الحیب به ام المومنین عایشه، انتشار مذهب تشیع در کشور های عربی و اسلامی متوقف شده است. مخبرین ما در کشور های عربی به من اطلاع دادند عده ی زیادی از اهل سنتی که شیعه شده بودند، به خصوص در شمال آفریقا، پس

از گفته های یاسر الحیبب متوجه شدند که تشیع ، مذهبی باطل است وبه مذهب حق برگشته اند». (خبر گزاری اهل بیت-ابنا- به نقل از سایت خبری شیعیان عربستان - راصد).

در مقابلاحمد الطیب (شیخ الازهر) درواکنش به فتوای مقام معظم رهبری در بیانیه ای رسمی تصریح کرد:«... این فتوایی است که با دانش صحیح و درک عمیق از خطر ناکی آنچه که اهل فتنه انجام می دهند، صادر شده وبیانگر علاقه واشتیاق به وحدت مسلمانان است. آنچه که بعث می شود بر اهمیت این فتوا افزوده شود آن است که عالمی از علمای بزرگ مسلمان و از بزرگترین مراجع شیعه و به عنوان رهبر عالی جمهوری اسلامی ایران ، چنین فتوایی را صادر کرده است...».

۵. حسنعلی خزائلی، این چنین بود استاد یگانه، فقیه فرزانه، آیت الله تبریزی،قم: ابتکار دانش، ۱۳۸۶، ص ۵۷.

۶. میرزا جواد تبریزی، الانوار الالهیه فی المسائل العائديه،قم:نینوا، ۱۳۸۳، ص ۷۹.

۷. حسین وحید خراسانی، مصباح الهدی، پیشین، ص ۳۸۷.

۸. همان، ص ۳۷۷.

۹. همان، ص ۴۷۵.

۱۰. همان، ص ۴۰۱.







المجمع الدولي للأمة الواحدة  
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH  
اتحاديه بين العملى امت واحده

اخوت